سبک ازدواج

نه سنتی، نه جدید، طرحی نو برای انتخاب همسر

# تولد یک زوج از وصلت سنت و مدرنیته

■ زینب شکوهی طرقی

خدا رفتگان همه را بیامرزد اما پدربزرگم وقتی می‌خواست از انتخاب مادربزرگ سخن بگوید قند توی دلش آب می‌شد. طوری حرف می‌زد و تعریف می‌کرد که انگار بزرگ‌ترین سورپرایز زندگی‌اش را شرح می‌دهد. آنقدر غرق در ذوق تعریف کردن بود که برایش فرقی نداشت جلوی بچه‌ها صحبت می‌کند یا نوه‌ها هم حضور دارند؛ اصلاً ابایی نداشت از تعریف کردن آن چیزی که خودش اسمش را انتخاب و خواستگاری می‌گذاشت. با کلی آب و تاب می‌گفت که مادرش در تکیه مادربزرگ را دیده بوده و از آنجاکه قدیم‌ترها خیلی مرسوم نبوده دخترها در گذر و کوچه تردد کنند مادر پدربزرگ فقط توانسته بود چند بار مادربزرگ را در حمام، مسجد و مجلس روضه ببیند. مادربزرگ آنقدر دست نیافتنی بوده که پدربزرگ شهر گشته و تحصیلکرده ما هم اجازه دیدنش را نداشته پدربزرگ با ذوق می‌گفت که فقط دل به تعریف کردن‌ها و شرح دادن‌های مادرش بسته بوده و تنها روزی که مادربزرگ را دیده روز خواستگاری بوده که هزار چشم هم او را می‌پایید. بعد تعریف می‌کرد که روز عقد از هول هلیم سوتی داده و قبل از خواندن خطبه عقد رفته و کنار مادربزرگ نشسته. حتی بعدها می‌گفت آنقدر هول بودند که «سجل»(شناسنامه) مادربزرگ را پیدا نکردند و سریع رفتند و شناسنامه خواهر مرده مادربزرگ را آورده‌اند که عقد را ثبت کنند. پدربزرگ به اینجا که می‌رسید گل از گلش می‌شکفت و یک نگاهی به مادر بزرگ می‌کرد، با صدایی که مادربزرگ هم با گوش‌های سنگینش بشنود می‌گفت: «آره دیگه پدرش دید نمیتونه دخترش رو به هر کسی بندازه و دامادی به خوبی من پیدا نمیکنه بدو بدو رفت سجل اون یکی دختره مرده رو که باطل نکرده بودن آورد و ما عقد کردیم. خلاصه اینکه خانم جان خوب تور انداختی و خوب صیدی کردی.» بعد هم می‌خندید، آنقدر غلیظ و از ته دل که از گوشه چشمش اشک راه می‌افتاد. خانم جان هم که نمی‌خواست کم بیاورد چادرش را روی موهای از فرق باز شده‌اش جلو می‌کشید، گوشه زبانی گاز می‌گرفت و با چشم، اشاره به نوه‌ها می‌کرد که یعنی این حرف‌ها پیش ما زشت است. بعد هم برای اینکه کم نیاورد در جواب پدربزرگ می‌گفت: «نه اینکه شما هول نبودی؟ یکی نیست بگه دختر رو ندیده چطور اونقدر برای عقد کردن هول بودی که هنوز خطبه نخونده ور دل من نشسته بودی.

البته حاجی آقا هنوزم دیر نشده پاشنه دره شکسته نجاره پاش نشسته.» به اینجا که می‌رسید همه خانه پر می‌شد از خنده بچه‌ها، نوه‌ها، عروس‌ها و دامادها. چه عشقی بود که بعد از ۸۰ سال هنوز از مرورش سه نسل انرژی می‌گرفتند. وقتی هم که ما نوه‌ها با هم خلوت می‌کردیم وقتی قیاس می‌کردیم بین شرایط خودمان، اوضاع دانشگاه و روابط آزاد این روزها با تعجب می‌گفتیم: «مگر می‌شود مردی زنی را نبیند، برود خواستگاری، عقد کند و الان بعد از ۸۰ سال آنقدر عاشق باشد.» اتفاقا در همین اثنای بحث یکی از دخترخاله‌ها گفت: «دوستم چند سال با پسری همکلاس دانشگاه بود. دوستش داشت. هر روز همدیگر را می‌دیدند. با هم ارشد هم قبول شدند و هر روز دیدارها ادامه داشت. بعد از دانشگاه همکار هم شدند و بالاخره بعد از هشت سال ازدواج کردند و به سالگرد نرسیده تصمیم به جدایی گرفتند...». وا عجبا! عشق ۸۰ ساله ندیده کجا و آتش هشت سال آشنایی خاکستر شده کجا!

■ از ندیده و پسندیده تا دیده‌های متنوع امروزی
دکتر پریا سپهری، جامعه‌شناس، روانشناس و استادیار دانشگاه

آشنایی‌های قدیمی اغلب به شکل منحصربه‌فردی بوده است. داماد عروس را نمی‌دیده و انتخاب عروس تنها با اتکا به دانایی مادرپسر، علاقه و شناخت خواهر پسر و معرفی خانواده دختر بوده است. در بعضی از خانواده‌های مذهبی و سنتی این موضوع تا آنجا مهم بوده که اغلب داماد عروس را تا لحظه عقد نمی‌دیده است.

خانواده‌های سنتی قدیمی حتی تا سال‌ها بعد هم این رویه را کم یا بیش حفظ کردند و براصول سنتی خود پایبند بودند تا اینکه در چند سال یا حداکثر یک دهه اخیر روند تغییر همسرگزینی را در جامعه شاهد بودیم. اگر روند تغییر و تحول را از خصیصه‌های طبیعی مخلوقات الهی که انسان اشرف آنهاست بدانیم، مواجهه با این سیر تطور نه تنها سخت و تعجب‌آور نخواهد بود، بلکه به مثابه امری عادی و روالی طبیعی به نظر خواهد آمد و این مواجهه روشن و درست، اولین گام برای برخورد صحیح با یک پدیده است. تردیدی نیست که تغییرات سریع و شگرف شئون مختلف جامعه پیرامونمان که شاید بتوان گفت بخش زیادی از آن متأثر از دگرگونی عجیب و غریب ابزار و الگوهای ارتباطی است، مقوله ازدواج و متعلقاتش را نیز دستخوش تغییرات اساسی کرده است.

رفته‌رفته این تغییرات رفتاری در انتخاب همسر باعث شد که سنت‌های ازدواج رنگ ببازد و در مقابل رفتارهای جوامع به اصطلاح مدرن پررنگ شود، این تغییر و تحولات در کشورها و جوامع درحال گذار از سنت به مدرنیته موجب سست شدن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم شده و به علت عدم تثبیت فرهنگ جدید موجب ایجاد نوعی گسست فرهنگی می‌شود.

در روند تغییر رفتارهای همسرگزینی نمی‌توان همه چیز را به گردن مدرنیته انداخت چون در سال‌های گذشته به موازات ایجاد تغییرات در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی جامعه ما، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده‌اند. این هنجارها که آرام‌آرام جای خود را در میان اعتقادات و باورهای مردم باز می‌کنند، ممکن است با باورهای پیشین همخوانی چندانی نداشته باشد و حتی در برخی موارد در تعارض با آنها قرار گیرد. ارزش‌های اجتماعی به عوامل و عناصری گفته می‌شود که برای اکثریت یک جامعه مهم و معتبر بوده و به صورت واقعیاتی عینی و ملموس درآمده‌اند. واقعیاتی که برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه تا حدود زیادی به رعایت آنها بستگی دارد.

البته در اثنای این مدرن رفتار کردن بعضی رفتارهای غلط جامعه ما حذف شده و در کمال خوشحالی رفتارهای مناسب و عاقلانه جایگزین شده است. مثلاً شاید تا چند سال پیش اگر از برگزار نشدن جشن عروسی سخنی به میان می‌آمد، ممکن بود ازدواج یک زوج به‌طور کلی منتفی شود، چون جامعه و به ویژه خانواده دختر برداشت خوبی از این امر نداشتند. یا مثلاً اگر کسی متوجه می‌شد که دختر و پسری قبل از روز خواستگاری همدیگر را دیده‌اند و صحبت‌های مقدماتی را انجام داده‌اند، ممکن بود برچسب‌های ناخوشایندی روی چنین ازدواجی بزنند، چراکه اینگونه تصمیمات و رفتارها مطابق با ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه آن روزها قلمداد نمی‌شد. تغییرات به وجود آمده در زمینه همسرگزینی و ازدواج نیز یکی از مواردی است که بسیاری از خانواده‌ها را با مسائل و بعضاً مشکلات متعددی مواجه کرده است.

امروز دیگر وقت آن رسیده که بدون تعصب داشتن نسبت به رفتارهای سنتی جامعه‌مان و فارغ از گارد گرفتن در مقابل ورود مسائل مدرنیته به این فکر کنیم که رفتار درست در هر مرحله از انتخاب همسر، ازدواج و ادامه زندگی مشترک چیست. اگر ازدواج را به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم‌ترین مرحله زندگی هر دختر و پسری در نظر بگیریم، این پدیده از جهات و جنبه‌های مختلف قابل بررسی و پژوهش است. در این زمینه می‌توان گفت در هر جامعه‌ای روابط بین افراد تأثیر زیادی بر ازدواج در آن جامعه دارد و ازدواج‌هایی که در هر جامعه صورت می‌گیرد نشان‌دهنده واقعیات موجود در آن جامعه است.

> نکته مهم اینجاست که ما در جامعه با جمع زیادی از جوانانی روبه‌رو هستیم که شرایط زندگی، مراودات اجتماعی، تحصیل و دانشگاه، کار و حتی رفت‌وآمدهای فامیلی‌شان براساس مدرنیته است. پس طبیعی است که چنین جوانانی شیوه سنتی را نپسندند

■ ازدواج مطلق سنتی و مدرن، هر دو محکوم به شکست است

اگر ازدواج سنتی را ازدواجی که در آن تمامی مراحل خواستگاری و آشنایی توسط خانواده‌ها صورت می‌گرفت و تقریباً در هیچ یک از این مراحل دختر و پسر به عنوان عناصر اصلی یک ازدواج ملاقات و گفت‌وگوی جدی با هم نداشتند و این خانواده‌ها بودند که تصمیم نهایی را می‌گرفتند تعریف کنیم و ازدواج مدرن را ازدواجی که بیشتر در میان کشورهای غربی و مطابق با فرهنگ و سنت‌های این کشورها در جریان بوده و طی آن دختر و پسر پس از آشنایی و دوستی، مدتی با هم زندگی می‌کنند یا به دوستی و برقراری روابط مختلف اعم از عاطفی و... می‌پردازند و درصورت وجود هماهنگی و رضایت اقدام به ازدواج می‌کنند در نظر بگیریم، باید گفت که در شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ما هر دو این ازدواج‌ها در بسیاری از موارد محکوم به شکست هستند، چراکه در اولی (سنتی) شرایط و اقتضائات روز جامعه در نظر گرفته نشده و در دومی (مدرن) از شرایط و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی غفلت شده است. شرایطی که غفلت از هر کدام می‌تواند موجبات ناکامی طرفین ازدواج و بر هم خوردن اساس آن را فراهم نماید.

■ مرز ظریف گذر از سنتی به مدرن

بیاییم در زمینه قدمت و میزان موفقیت ازدواج‌های سنتی با مدرن یک مقایسه عقلانی و تجربی انجام دهیم. با یک بررسی تاریخی می‌توان فهمید که در کمتر از دو نسل پیش ازدواج‌های کاملاً سنتی مشهود بوده است و این ازدواج‌ها گاهی ممکن بود موفق باشند و گاهی نیز ناموفق. اما به هر حال زوج‌ها به خاطر شرایط خاص آن روزها که شرحش مجال دیگری می‌طلبد فارغ از موفق یا ناموفق بودن ازدواجشان، در اکثر موارد چاره‌ای جز به اصطلاح سر کردن با هم و تحمل فشارهای گوناگون نداشتند.

در مقایسه میزان موفقیت ازدواج‌های مدرن و سنتی یکی از عواملی که بسیار تأثیرگذار است میزان رشد فکری جوانان امروزی در همسرگزینی است. براساس همین رشد فکری است که جوانان نسل امروز بسیار در زمینه همسرگزینی حساسند و دخالت دیگران را بر نمی‌تابند و نمی‌خواهند و نمی‌توانند بپذیرند که چشم و گوش بسته تن به ازدواج بدهند و عقیده دارند که باید خودشان در این امر مهم و سرنوشت‌ساز زندگی‌شان ایفای نقش کنند. عقیده‌ای که نگاه منطقی و واقع‌بینانه به شرایط روز جامعه، درست، بحق و منطقی بودن آن را آشکار می‌سازد. تا اینجای کار نه تنها مشکلی نیست، بلکه بروز چنین نگاه و تحلیلی در بین جوانان جامعه که می‌خواهند نقشی فعال‌تر و مؤثرتر در سرنوشتشان داشته باشند نشان‌دهنده رشد و بلوغ فکری بیشتر جوانان امروز نسبت به جوانان چند نسل قبلشان است.

فراموش نکنید که رشد عقلی حتی در بهترین و ایده‌آل‌ترین شرایط نمی‌تواند حکم مطلقی برای تأیید انتخاب همسر باشد. هیچ‌وقت نمی‌شود به یک انتخاب که صرفاً براساس رشد عقلی و براساس آشنایی‌های مدرن صورت گرفته برچسب خوب زد چون ما در حال حاضر در تونل گذر از انتخاب‌های سنتی و نرسیده به شرایط انتخاب‌های مدرن قرار داریم و در این شرایط بهتر است که بیاموزیم جایگزین مناسب شیوه همسرگزینی سنتی چه شیوه‌ای است که کمترین خطا را داشته باشد اینجاست که بسیاری از جوانان امروز جامعه تحت تأثیر علل و عوامل مختلف نمی‌توانند شیوه مناسب را پیدا کنند، چراکه باید ملاحظات مرز ظریف گذر از سنتی به مدرن را بشناسند و رعایت کنند.

■ ترکیبی از سنتی و مدرن

نکته مهم اینجاست که ما در جامعه با جمع زیادی از جوانانی روبه‌رو هستیم که شرایط زندگی، مراودات اجتماعی، تحصیل و دانشگاه، کار و حتی رفت‌وآمدهای فامیلی‌شان براساس مدرنیته است. پس طبیعی است که چنین جوانانی شیوه سنتی را نپسندند؛ از سوی دیگر سفره‌ای در مقابلشان پهن است که با تمام جذابیت‌های ظاهری فریبنده و دروغینش، نشئت گرفته از سبک زندگی این مرز و بوم نیست و کمترین رنگ و بویی از سبک زندگی ایرانی -اسلامی ندارد.

حالا سؤالی که مطرح می‌شود این است که در این میان، با وجود این همه هجمه فرهنگی و تبلیغات متضاد در زمینه انتخاب همسر، راه درست کدام است؟ حال با تعریف و تحلیلی که از شیوه‌های همسرگزینی و ازدواج «سنتی» و «مدرن» ارائه کردیم، این سؤال پیش می‌آید که کدامیک از این شیوه‌ها موفق‌تر است؟ آمار طلاق در کدامیک از این شیوه‌ها بالاتر است؟ نگاه کارشناسانه مؤید این مطلب است که به درستی نمی‌توان گفت از بین ازدواج سنتی و مدرن کدامیک موفق‌تر است، ولی براساس آمار ارائه شده از طلاق و با نگاه به اظهارات نمونه‌هایی که به صورت سنتی یا مدرن ازدواج کرده‌اند، پی می‌بریم که در هر دو شیوه همسرگزینی و ازدواج، انتخاب نادرست به وفور به چشم می‌آید.

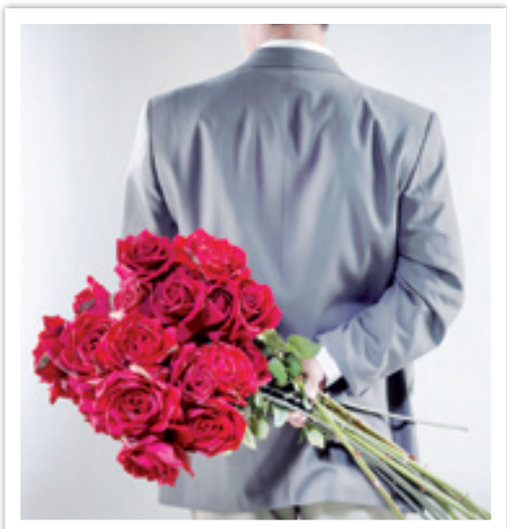

فرد، منفک و جدا از جامعه و خانواده نیست. این یکی از مهم‌ترین اصول زندگی در جامعه است و معنای آن این است که شما هرچقدر مستقل و موفق باشید باز هم در بسیاری موارد باید پایبند اصول خانوادگی و جامعه باشید. در حقیقت شما صرف‌نظر از اینکه چه اعتقادی دارید یا اینکه چگونه می‌اندیشید، به خاطر زندگی در جامعه‌تان ملزم به رعایت یکسری ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری هستید که اکثریت جامعه آن را پذیرفته، به آن عمل می‌کنند و نسبت به آن حساس هستند. این اهمیت و حساسیت به اندازه‌ای است که در صورت عدم رعایت هنجارها و ارزش‌ها از سوی فرد، جامعه با استفاده از توانمندی‌ها و ابزارهای مخصوص به خود، او را متوجه اشتباه و تخطی از هنجارها کرده و در مرحله بعد ملزم به رعایت آنها می‌کند. ناگفته پیداست که مقاومت در برابر چنین جریانی به دلیل حمایت و پذیرفتگی از سوی آحاد جامعه پیش از آغاز، شکست خورده است.

پس در اولین و مهم‌ترین قدم مراقب باشید که هنجارها و ارزش‌های جامعه را زیر پا نگذارید، چراکه در غیر این‌صورت حتی از سوی نزدیک‌ترین افراد خود با چنان واکنشی مواجه خواهید شد که اصلاً فکرش را نمی‌کنید. شاید در اینجا این سؤال برای شما پیش بیاید که «خب، اگر برخی سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه که آبشخور اصلی آن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است، باعث تصمیم و اقدام نادرست شود چه باید کرد؟» پاسخ به این سؤال دقیقاً همان گام دومی است که باید برداشته شود. برای این کار می‌توان با در نظر داشتن رعایت خطوط قرمز هنجارهای اجتماعی، اقتضائات زمانی، شخصی و... را در مسئله همسرگزینی و ازدواج دخیل کرد. در واقع باید هم از مزایای ازدواج سنتی با اتکا به آموزه‌های ایرانی -اسلامی بهره برد هم از مزایای ازدواج مدرن که نگاه به شرایط امروزی دارد.

> نمی‌شود به یک انتخاب که براساس آشنایی‌های مدرن صورت گرفته برچسب خوب زد چون ما در تونل گذر از انتخاب‌های سنتی و نرسیده به شرایط انتخاب‌های مدرن قرار داریم و در این شرایط بهتر است که بیاموزیم جایگزین مناسب شیوه همسرگزینی سنتی چه شیوه‌ای است که کمترین خطا را داشته باشد

نگاه

در جست‌وجوی روشی اصولی برای مقدمات همسرگزینی

## خواستگار محترم! لطفا با خانواده‌تان تشریف بیاورید

**■ آقا پسر و دختر خانمی را در نظر بگیرید که در یک زمان در یک دانشگاه مشغول تحصیلند. این دو خواه‌ناخواه با هم مراوده معمول دانشگاهی دارند و خواه‌ناخواه با هم آشنا می‌شوند. طی این مراوده و آشنایی معمول بی آنکه از حدود ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه تجاوز کرده باشند به یکسری از شناخت‌ها نسبت به همدیگر دست پیدا می‌کنند که بر اساس همین شناخت‌های اندک به این نتیجه می‌رسند که از بسیاری لحاظ هم کفو و قرین مناسبی برای یکدیگرند. پس از این نتیجه‌گیری و پیش از آنکه آتش احساسات و عواطف شعله‌ور شود خانواده‌های خود را در جریان قرار داده و از آنها می‌خواهند تا ادامه مسیر را آنگونه که به صلاح است طی نمایند. نمونه‌هایی از این دست که هم هنجارها در آن رعایت و هم اقتضائات روز لحاظ شود در جامعه امروز ما کم نیست. همین که هنوز هم بسیاری از دختر خانم‌های جامعه ما وقتی در مکانی که خانواده‌شان حضور ندارد با خواستگاری مواجه می‌شوند و شرایط اولیه مدنظرشان را در وی می‌بینند، می‌گویند: «با خانواده‌تان تشریف بیاورید» یعنی در عین توجه به حدود، اقتضائات شخصی خود را نیز در نظر گرفته‌اند.**

**■ انتخاب یک روش اصولی برای همسرگزینی**

عاقل‌ترین جوان در شرایط فعلی جامعه کسی است که بتواند از تفکیک بهترین‌های سنت با بهترین‌های مدرنیته یک روش اصولی برای همسرگزینی خود انتخاب کند که هم متضرر نشود و هم براساس اصول خانوادگی و جامعه‌اش پیش رود. بهترین راه برای رسیدن به الگویی مناسب برای همسرگزینی و ازدواج آن است که از مزایای هر دو شیوه سنتی و مدرن بهره‌مند شوید و مراقب باشید که گرفتار معایب و آسیب‌های آنها نشوید. از شیوه سنتی، تطابق با فرهنگ خانوادگی، استفاده از تجارب ارزشمند دیگران به ویژه پدر و مادر، بهره‌مندی از حمایت‌های خانواده، تسهیل امر ازدواج و... را برداشت کنید و از شیوه مدرن شناخت بیشتر طرف مقابل، زمان بیشتر برای مشاهده واقعیت‌های درونی، دایره انتخاب گسترده‌تر و... را نصیب خود نمایید.

**■ دردسر انتخاب‌های مجازی**

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار بر فضای فکری، همسرگزینی جامعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است که این روزها مورد اقبال بسیاری در جمع جوانان واقع شده است. فضای مجازی کمترین تطابق و تناسب را با فضا و دنیایی که شما واقعاً در آن زندگی می‌کنید دارد. در همین دنیای واقعی که افراد رو در رو با هم می‌نشینند و صحبت می‌کنند، بعد خانواده‌ها در عرصه واقعی تحقیق می‌کنند و... هزار و یک مسئله وجود دارد که ممکن است در جریان شکل‌گیری زندگی مشترک تبدیل به مشکل شده و مانع ایجاد یک خانواده شوند. حالا در چنین وضعیتی، چگونه می‌توان ساختمانی با اهمیت فوق‌العاده به نام خانواده را بر پایه‌ای سست و به شدت متزلزل بنا کرد. در ذهنتان همیشه این تصور را داشته باشید که هر چقدر فضای اطراف شما و شخصیت‌هایش حقیقی است در مقابل شما فضایی دارد صددرصد مجازی که هیچ شناخت حقیقی پشت آن قرار ندارد و همین باعث می‌شود که خطای مراودات بیش از پیش باشد. فضای مجازی همانگونه که از نامش بر می‌آید، محیطی است که با فضای حقیقی فاصله‌ای بسیار دارد.

بسیاری از افراد که می‌توان گفت در جامعه ما کم هم نیستند، برای وقت‌گذرانی و لذت‌جویی وارد فضای مجازی می‌شوند و اغلب برای کسب لذت بیشتر هیچ‌گاه هویت واقعی خود را در فضای مجازی آشکار نمی‌کنند؛ لذت‌جویی که در بسیاری موارد موجبات گرفتاری و بدبختی دیگران را فراهم می‌کند. صفحات حوادث روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها پر است از سوژه‌های تبهکارانه‌ای که وقتی دنبال می‌شود ریشه در اعتمادهای اشتباه و نابجا در فضای مجازی دارد. جالب است بدانید که حتی صاحبان قدرتمند شبکه جهانی ارتباطات از نرم‌افزارها و شبکه‌های اجتماعی تحت وب مانند فیس‌بوک و... نیز برای آغاز آشنایی استفاده می‌کنند نه محلی برای کسب شناخت و دلبسته شدن افراد به همدیگر. در این خصوص می‌توان گفت جامعه ما در استفاده از این مظهر تکنولوژی نیز مانند بسیاری دیگر از مظاهر آن دچار «تأخر فرهنگی» شده است. تأخر فرهنگی به عبارتی ساده یعنی سخت‌افزار تکنولوژی را وارد کرده‌ایم اما از نرم‌افزار آن که همان فرهنگ استفاده از آن است غفلت ورزیده‌ایم. شاید در کمتر جایی از دنیا می‌توان نمونه‌ای را یافت که عروس پای سفره عقد کنار قاب عکسی نشسته که صاحب عکس هزاران کیلومتر از او دور است و در کشوری دیگر مشغول کار، تحصیل یا... است. وقتی هم که از عروس خانم در مورد چند و چون مراحل آشنایی با داماد می‌پرسی، با ژستی مدرن و لحنی تمسخرآمیز و با شیفتگی تمام برایت از وسایل ارتباط جمعی روز صحبت می‌کند. شنیده‌اید که می‌گویند اصل بر برائت است مگر آنکه خلافش ثابت شود؟ این مثل درمورد فضای مجازی این می‌شود که در این فضا اصل بر بی‌اعتمادی است مگر آنکه خلافش ثابت شود. تحقیقات نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد ازدواج‌هایی که بر اساس شناخت در فضای مجازی شکل می‌گیرند با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند و اصولاً دوام چندانی ندارند. در چنین فضایی که فضای شناخت واقعی نیست و افراد در پرده‌هایی سراسر ابهام با هم آشنا می‌شوند، همیشه ابتدا اصل را بر بی‌اعتمادی بگذارید تا از آسیب‌ها و تهدیدات آن در امان بمانید.

**■ سخنی با اهل خانه و بزرگ‌ترها**

در مقابل انتخاب همسر از سوی جوانان ما پدر و مادرها را داریم که معمولاً با انتخاب‌های مدرن مخالفت می‌کنند. از قدیم‌الایام همواره خانواده ایرانی-اسلامی محل امنی بوده است که اعضای آن صرفنظر از هرگونه مشغله، درگیری و استرسی که در طول فعالیت‌های جاری با آن مواجه بودند، وقتی وارد خانه می‌شدند روح حاکم بر این بنیان استوار و صمیمی موجب تزریق آرامش و اطمینان به آنان می‌شده است. در مقوله همسرگزینی فرزندتان به هوش باشید مبادا با تندخویی و عصبانیت او را از جمع خود برانید چون در این صورت او جمع همفکر خود را از دست می‌دهد و اگر انتخاب غلطی داشته باشد متوجه اشتباهش نمی‌شود. مواظب باشید! برخوردهای تقابلی هیجان‌زده صدمات و آسیب‌های زیادی بر فرزند شما و همچنین ارتباط شما با او خواهد زد. آنچه پر واضح است هدف شما به عنوان پدر و مادر خوشبختی فرزندانتان است.

از تقاضا یا پیشنهاد فرزندتان استقبال کنید. مطمئن باشید همین که شما را به موقع در جریان امور قرار داده یعنی به نقش و جایگاه شما به عنوان والدین خود واقف است. بعد از در جریان قرار گرفتن سعی کنید ادامه کار را با توجه به آداب و رسوم رایج جامعه پی‌ریزی نمایید. پس از بررسی موضوع نظرات و نتایج حاصله را مانند دوستی صمیمی و مشاوری امین با فرزندتان در میان بگذارید. حقایق را بدون پیش‌داوری ببینید و به پاره تنتان کمک کنید با توجه به شرایط بهترین تصمیم را بگیرد. احیاناً اگر مشکل جدی در اخلاق، شخصیت، خانواده و... طرف مقابل مشاهده کردید، با مهربانی و حفظ احترام، آنها را گوشزد نمایید. حتی‌الامکان سعی کنید از ورود به حیطه‌های کاملاً شخصی که بیشتر بستگی به علایق و سلایق هر فرد دارد خودداری کنید.

بی‌شک اگر زمینه مناسب را فراهم کنید و فرصت فکر و انتخاب را به فرزندتان بدهید به نتایج خوبی دست خواهید یافت. به یاد داشته باشید که در آموزه‌های دینی ما بیشتر روی انتخاب دختر و پسر به عنوان عناصر اصلی ازدواج تأکید و توجه شده تا انتخاب والدین.

خلاصه اینکه جمع خانوادگی باید در این شرایط خاص پشت جوانشان باشند تا بتوانند او را از گردنه آسیب‌های مدرن رها کنند و با سنت برایش یک ازدواج خوب رقم بزنند.

> در مقوله همسرگزینی فرزندتان به هوش باشید مبادا با تندخویی و عصبانیت او را از جمع خود برانید چون در این صورت او جمع همفکر خود را از دست می‌دهد و اگر انتخاب غلطی داشته باشد متوجه اشتباهش نمی‌شود. مواظب باشید! برخوردهای تقابلی هیجان‌زده صدمات و آسیب‌های زیادی بر فرزند شما و همچنین ارتباط شما با او خواهد زد. همین که شما را به موقع در جریان امور قرار داده یعنی به نقش و جایگاه شما به عنوان والدین خود واقف است